

نوشته حاضر، چهارمین بخش از سلسله مطالبی است که تحت عنوان «معرفی کشورهای جهان سوم» ارائه می‌گردد.

در ادامه مباحث گذشته، این شماره را به معرفی کشور بنگلادش اختصاص دادیم.

بنگلادش با کوله‌باری از مسایل و مشکلات ناشی از سلطه استعماری، در پی جنگی خونبار و فراز و نشیب‌های بسیار به استقلال دست یافت. این کشور پس از نیل به استقلال، مدت زمانی کوتاه در دوره زمامداری شیخ مجیب‌الرحمان به تلاشهایی مثبت در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی دست بازید.

سرنوشتی و قتل مجیب‌الرحمان، کودتاهای بی‌پای و اعاده گرایش به غرب، به همراه آشفتنگی در برنامه‌ریزی و انهدام روندهای مثبت گذشته در مجموع سبب گردیده‌اند که امروز بنگلادش یکی از فقیرترین کشورهای جهان شناخته شود.

به هرحال امید است طرح این مباحث، زمینه تأمل درباره‌ای از مسایل مبتلا به میهن اسلامیمان را فراهم آورد.

کلیات

موقعیت

«جمهوری خلق بنگلادش»، در آسیای جنوبی و در شبه قاره هند واقع شده است. این کشور با ۱۴۳۹۹۸ کیلومتر مربع وسعت هشتاد و هشتمین کشور جهان است، که بر روی مدار رأس السرطان، میان ۲۰۳۰ و ۲۶۴۵ شمالی و ۸۸ و ۹۲۵۰ شرقی قرار دارد.

بنگلادش با ۲۵۳۵ کیلومتر طول خط مرزی، در شمال، شرق و غرب با هند و در جنوب شرقی با برمه هم‌مرز است. در جنوب این کشور خلیج بنگال قرار دارد و خط ساحلی حدود ۵۸۰ کیلومتر می‌باشد.

جمعیت

جمعیت بنگلادش در سال ۱۹۸۷، حدود ۱۰۷/۱۰۰/۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که این کشور را در ردیف کشورهای پرجمعیت جهان قرار می‌دهد. تراکم جمعیت ۷۴۳ نفر در کیلومتر مربع است و نرخ رشد سالانه آن ۲/۷ درصد می‌باشد، که با چنین رشدی، هر ۲۶ سال جمعیت کشور دو برابر می‌شود.

۴۴ درصد مردم زیر ۱۵ سال سن دارند که با توجه به ضعف اقتصادی و امکانات محدود بنگلادش، رفع نیازهای متنوع آنها با دشواریهای بسیار همراه می‌باشد.

پایتخت بنگلادش، شهر «داکا» Dhaka است که در مرکز این کشور قرار گرفته و براساس سرشماری سال ۱۹۸۱، ۳/۴۳۰/۳۱۲ نفر جمعیت داشته است. بجز داکا، شهر بندری «چیتاگونگ» Chittagong که در کنار

(۴)

بنگلادش

را برای مصارف صنعتی ایجاد کرده است.

آب و هوای این کشور، گرم مداری است که تحت تأثیر مستقیم بادهای باران آور موسمی قرار دارد. نزدیکی بنگلادش به خط استوا و بارندگی زیاد سبب گردیده است که آب و هوای این کشور گرم و مرطوب باشد و در واقع هیچ فصل سردی در آن به چشم نمی‌خورد.

ریزش بارانهای موسمی عمدتاً در فصل تابستان است، و ۳/۴ بارندگی سالیانه در این فصل صورت می‌گیرد. میزان بارندگی نیز از حداقل ۱۱۵۰ میلیمتر تا حداکثر ۶۱۴۰ میلیمتر در نوسان است.

دمای متوسط داکا، در ماه ژانویه (دی) ۱۹ درجه سانتیگراد، آوریل (فروردین) ۲۸ درجه سانتیگراد، جولای (تیر) ۲۸ درجه سانتیگراد و اکتبر (مهر) ۲۷ درجه سانتیگراد می‌باشد.

در بنگلادش رودخانه‌های بسیاری جاری است که در اقتصاد این کشور از اهمیت زیاد برخوردارند. این رودهای عظیم از برف و بارانهای قسمت شرقی هیمالیا تغذیه می‌گردند و از شمال به جنوب، به سوی خلیج بنگال جریان دارند. «براهماپوترا» Brahmaputra «گنگ» Ganges، «مگنا» Meghna و... از مهمترین رودهای بنگلادش اند که خود به شعب فرعی تقسیم می‌شوند و دلتاهای بسیاری را بوجود می‌آورند. بدین جهت در این کشور کمتر نقطه خشک و بدون آب یافت می‌شود.

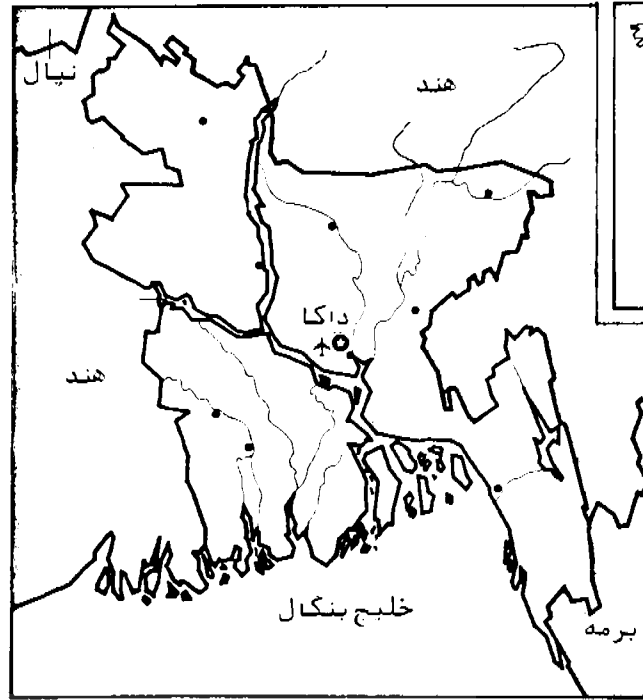
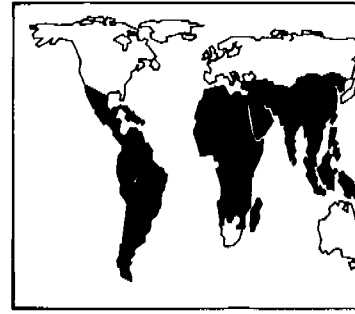
رودهای بنگلادش، امکانات بسیاری را در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و حمل و نقل فراهم می‌کنند و البته گاه‌بگاه سیلابهای عظیمی را نیز پدید می‌آورند که همچون سیل اخیر بخشهای وسیعی از کشور را به زیر آب فرو می‌برد.

خلیج بنگال قرار دارد تنها شهری است که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر دارد. این شهر در ۱۹۸۱، ۱۳۹۱۸۷۷ نفر جمعیت داشت. از دیگر شهرهای مهم این کشور «خولنا» Khulna و کومپلا Comila را می‌توان نام برد.

نژاد ۹۸ درصد مردم بنگلادش، «بنگالی» است و بقیه را عمدتاً اقلیت «بهاری» تشکیل می‌دهند. ۸۵ درصد جمعیت پیرو اسلام‌اند، ۱۴ درصد هندو و بقیه مسیحی و آیمیت می‌باشند. زبان رسمی این کشور بنگالی است و زبانهای اردو و انگلیسی نیز رواج دارد. واحد پول بنگلادش «تاکا» است که هر ۳۰ تاکا معادل ۱ دلار آمریکا می‌باشد.

ویژگیهای جغرافیایی

بنگلادش در جلگه هموار بنگال قرار دارد و عمدتاً عاری از ناهمواریهای مهم است. تنها در شمال شرقی این کشور، رشته کوه «آسام» در فلات «شیسلونگ» Shillong وجود دارد. رویهمرفته، بخش اعظم بنگلادش دلتایی می‌باشد و این امر مردم روستایی را ناچار ساخته تا به گونه‌ای چشمگیر خود را با شکلی از زندگی نیمه دریایی وفق دهند. مثلاً بارانها و سیلابهای شدید سبب شده است که مردم منازل خود را گاه در ارتفاع ۴ متری بنا کنند تا از گزند سیل در امان باشند. بعلاوه کشت انواعی از برنج که در آبهای عمیق رشد می‌کند، بسیار رایج است. زمینهای بنگلادش به علت آبرفتی بودن خاک، حاصلخیز است و طغیانها و سیلابهای گاه‌بگاه موجب تقویت هر چه بیشتر زمینها می‌شود. همچنین بخشهای مختلف بنگلادش از جنگلهای انبوه و وسیع پوشیده شده که ذخایر پر ارزش



■ سیاست و حکومت در بنگلادش

تاریخچه سیاسی

در سال ۱۷۵۶ با شکست نیروهای سراج الدوله حاکم بنگال در مقابل سپاهیان انگلستان، این ناحیه به تصرف متجاوزان درآمد. انگلیسیها یک فرماندار کل برای بنگال تعیین کرده و کلکته را مرکز آن قرار دادند. آنها همچنین با مسلط کردن اقلیت هندو بر اکثریت مسلمان، بیشتر امور اقتصادی و سیاسی را به آنها سپردند.

در سال ۱۹۰۶ «مسلم لیگ» (اتحادیه اسلامی)، در شهر «لوکتو» در هند پایه گذاری شد که از همان آغاز نمایندگی مسلمانان هند را برعهده گرفت و مبارزه برای آزادی آنها را آغاز کرد. این حزب در آغاز خواستار تجزیه شبه قاره به دو کشور مسلمان و هندو نبود ولی به دنبال استقلال شبه قاره هند از سلطه انگلیس، این خواسته شدت یافت. پس از استقلال هند، رهبران هندی تسلیم تمایل شدید محمدعلی جناح و هواداران او (مسلم لیگ) شده و به تجزیه شبه قاره به دو کشور مسلمان و هندو رضایت دادند. با جدایی پاکستان از هند، مهاراجه‌ها و نوابهای کشور فعلی بنگلادش به اتحاد با پاکستان رای دادند و به این ترتیب در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ کشور پاکستان پا به عرصه جهانی گذارد، که از دو قسمت غربی (پاکستان فعلی) و شرقی (بنگلادش فعلی) تشکیل یافته بود. نوع حکومت در آغاز فرمانداری کل بود که جرج پنجم پادشاه وقت انگلیس، محمدعلی جناح رهبر مسلم لیگ را به این سمت برگزید.^۱

پاکستان شرقی در واقع بخش پر جمعیت تر و در عین

ارتش هند نهایتاً در مارس ۱۹۷۱ بنگلادش استقلال خود را بدست آورد و شیخ مجیب الرحمان به عنوان رئیس جمهور انتخاب گردید. در اوت ۱۹۷۵، با یک کودتای نظامی، مجیب الرحمان سرنگون شده و به قتل رسید. پس از مجیب الرحمان یکی از وزرای وی به نام مشتاق احمد روی کار آمد ولی وی نیز با کودتای سرلشکر خالد مشرف سرنگون شد که این یکی تنها ۴ روز قدرت را در دست داشت و در ۷ نوامبر ۱۹۷۵ با ضد کودتای سرلشکر «ضیاء الرحمان» ساقط شد. «ضیاء الرحمان» تحت نظر «ابوسادات محمد سایم» قدرت را در دست گرفت و در ۱۹۷۸ خود به ریاست جمهوری رسید.

در سال ۱۹۸۱ «ضیاء الرحمان» به دنبال یک کودتای نافرجام به قتل رسید. پس از قتل وی «عبدالستار» موقتاً قدرت را به دست گرفت که در انتخابات هفتمین سال رئیس جمهور شد. بالاخره در مارس ۱۹۸۲، ژنرال «حسین محمد ارشاد» به دنبال یک کودتا به قدرت رسید و در سراسر کشور حکومت نظامی اعلام کرد. ژنرال ارشاد در ماه مه ۱۹۸۶ انتخابات پارلمانی را برگزار نمود که در آن حزب وی «حزب ملت» **Jatiya party** اکثریت را بدست آورد. وی در اوت ۱۹۸۶ از ارتش استعفا نمود و در انتخابات اکتبر همان سال به ریاست جمهوری برگزیده شد.

در مجموع تاریخ چند دهه اخیر بنگلادش را ناآرامیها و درگیریهای شدید استقلال طلبانه و سپس کودتاها و حکومتهای نظامی متوالی تشکیل می‌دهد.

قوای حکومتی^۲

قوه مقننه شامل مجلس بنگلادش است که «خانه ملت» **Jatiya sangsad** نامیده می‌شود و دارای ۳۰۰ عضو انتخابی است که اینان، ۳۰ نفر زن را نیز برای نمایندگی مجلس بر می‌گزینند و بنا بر این «خانه ملت» ۳۳۰ عضو دارد. مدت نمایندگی ۵ سال است و نمایندگان مستقیماً از سوی مردم انتخاب می‌شوند. رئیس جمهور حق انحلال مجلس را دارد و حق اعلان جنگ فقط در انحصار مجلس بنگلادش می‌باشد.

قوه قضائیه بنگلادش دارای یک دادگاه عالی و دیوان عالی و بخش استیناف است. دیوان عالی کشور دارای یک رئیس است و رئیس جمهور حق دارد قضاتی را در این دیوان منصوب کند.

بر اساس قانون اساسی بنگلادش، رئیس جمهور در راس قوه مجریه قرار دارد که با رای مستقیم مردم و به مدت ۵ سال انتخاب می‌شود و فرماندهی کل قوای مسلح را نیز برعهده دارد. معاون رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیران و رئیس قوه قضائیه را رئیس جمهور معرفی و منصوب می‌نماید.

سیستم حزبی

در بنگلادش بیش از ۵۰ حزب و گروه سیاسی به فعالیت مشغولند که اکثر آنها اهمیت چندانی برخوردار نیستند. مهم‌ترین احزاب بنگلادش عبارتند از: حزب ملیون بنگلادش که در حال حاضر حزب حاکم محسوب می‌شود

حال محرومتر پاکستان را تشکیل می‌داد. در این میان، برخی مسایل زمینه اعتراضات و مخالفت‌هایی را فراهم آورد که نهایتاً به استقلال پاکستان شرقی و تشکیل دولت بنگلادش منجر شد. عمده‌ترین این مسایل عبارت بودند از: وجود هزار مایل فاصله بین دو پاکستان، تفاوت زبانهای رایج در دو قسمت، تخصیص بخش کمی از بودجه دفاعی، رفاهی و... به پاکستان شرقی علیرغم اینکه ۸۰ درصد درآمد ارزی از صدور تولیدات این بخش بود، انحصار مقامات در دست اهالی پاکستان غربی، بالا تر بودن درآمد سرانه و دستمزدها در بخش غربی و...^۳

در ماه مارس ۱۹۵۶ اولین قانون اساسی پاکستان وضع شد و نوع حکومت از فرمانداری کل به جمهوری تبدیل شد و کمی بعد ژنرال اسکندر میرزا به ریاست جمهوری رسید. در مارس ۱۹۶۹ ژنرال یحیی خان زمام امور پاکستان را در دست گرفت و حکومت نظامی را بر سراسر کشور حاکم نمود. وی در سال ۱۹۷۰، احزاب سیاسی را آزاد کرد و فکر استقلال طلبی کامل از این زمان در پاکستان شرقی صورت جدی تری به خود گرفت.

در انتخابات دسامبر ۱۹۷۰ رهبر «حزب عوامی لیگ» **Awami league**، «شیخ مجیب الرحمان» اکثریتی را بدست آورد که به موجب آن می‌بایست نخست وزیر پاکستان را برعهده بگیرد ولی او بر «خودمختاری محلی» اصرار ورزید. گفتگوهای وی با فرمانده ارتش، ژنرال یحیی خان در ۱۹۷۱ به نتیجه ای نرسید و ارتش به مداخله پرداخت و کنترل امور را بدست گرفت. در مقابل مخالفین در پاکستان شرقی به بنیانگذاری «نیروی آزادیبخش» **Mukti Bahini** مبادرت ورزیدند و با مداخله و یاری

و مؤسس آن ژنرال ضیاء الرحمان بود، حزب عوامی لیگ که دومین مقتدر است و در حال حاضر تحت رهبری دختر شیخ مجیب الرحمان «حسینا وازد» **Hasina wazed** قرار دارد، حزب ناسیونالیست ملی، حزب مسلم لیگ که قدیمی ترین حزب پاکستان است، حزب اسلامیک دموکراتیک لیگ و...

سیاست خارجی^۱

بنگلادش در سیاست خارجی خود مدعی عدم تعهد است. این کشور عضو جنبش عدم تعهد و نیز اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری منطقه ای است که در سال ۱۹۸۳ گردهمایی آن در ااکا برگزار شد و سایر اعضای این اتحادیه عبارتند از: بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان، سریلانکا.

در زمینه سیاست خارجی ماده ۲۵ قانون اساسی مصوب ۱۹۷۲ می گوید: «بنگلادش، روابط بین المللی خود را بر اساس احترام به حاکمیت ملی، مساوات و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، احترام به حقوق بین المللی و اصول مندرج در منشور ملل متحد بنیان خواهد گذاشت.» در ۱۹۷۵ بر ماده فوق اصلاحیه ای اضافه شد: «بنگلادش به حفظ و تقویت روابط دوستانه میان کشورهای اسلامی، بر اساس وحدت اسلامی اقدام خواهد کرد.»

روابط خارجی

شیخ مجیب الرحمان طرفدار دوستی نزدیک با شوروی و هند بود ولی پس از به قدرت رسیدن ضیاء الرحمان این کشور به بلوک غرب و کشورهای ثروتمند عربی و بخصوص عربستان سعودی نزدیک شد. وی برای سرکوبی گروههای چپ، دست احزاب اسلامی را کمی بازگذاشت و توسعه روابط با کشورهای مسلمان را از برنامه های اصلی دولت خود اعلام نمود.

بنگلادش تقریباً با تمام کشورها به جز رژیم صهیونیستی اسرائیل و افریقای جنوبی، روابط دیپلماتیک دارد. روابط با هند در زمان شیخ مجیب الرحمان بسیار حسنه بود ولی پس از روی کار آمدن ضیاء الرحمان و نزدیکی این کشور با چین و برقراری روابط با پاکستان از گرمی روابط دو کشور کاسته شد. روابط با پاکستان نیز از سال ۱۹۷۴ و پس از شناسایی این رژیم توسط پاکستان بهبود یافت و با روی کار آمدن مشتاق احمد و ضیاء الرحمان بسیار گرمتر شد و در حال حاضر روابط دو کشور در سطح سفارت و عادی است. مناسبات بنگلادش با شوروی و آمریکا روندی دوگانه را طی کرده است. در آغاز روابط با شوروی حسنه و با آمریکا بسیار سرد بود. با وقوع کودتاهای مختلف و روی کار آمدن مشتاق احمد در ۱۹۷۵ که به طرفداری از غرب مشهور بود روابط با شوروی رو به سردی نهاد و در مقابل ارتباط با آمریکا از ابعاد وسیعتری برخوردار گردید. روابط این کشور با چین نیز به دنبال یک سری فراز و نشیب ها در حال حاضر حسنه می باشد.

سابقه روابط ایران با بنگلادش به پیش از انقلاب

اسلامی باز می گردد. ایران در سال ۱۳۵۲ اقدام به شناسایی بنگلادش نمود و روابط در سطح سفارت از ۱۳۵۳ آغاز شد. پس از انقلاب موضع این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران نسبتاً مثبت بوده است. بنگلادش در قبال جنگ تحمیلی موضع بی طرفی اتخاذ نمود و در جریان رای گیری شورای امنیت بر سر مسئله لانه جاسوسی، علیرغم فشار آمریکا برای محکومیت ایران، نماینده بنگلادش رای ممتنع داد.^۵

■ وضعیت اجتماعی - فرهنگی بنگلادش

بنگلادش، یکی از فقیرترین کشورهای جهان به دنبال یک جنگ کوتاه ولی بسیار خونین بر علیه پاکستان، به عنوان یک دولت مستقل قدم به عرصه جهان گذارد. جنگی که ۳ میلیون کشته و اقتصادی ویران برجای نهاد. پیش از آنکه بنگلادش بتواند بر مصایب این جنگ غلبه کند با خشکسالیها و سیلهایی که گرسنگی گسترده ای را در ربیع آخر سال ۱۹۷۴ بوجود آورد، روبرو گردید. در واقع ناتوانی دولتهای بعدی در ایجاد حداقل ثبات اقتصادی برای پاسخگویی به انتظارات گسترده ناشی از جنگ، عامل خشونت و ناآرامی سیاسی مداوم در این کشور بوده است.

به هر حال بنگلادش امروز از بیماریهای شایع در همه کشورهای توسعه نیافته رنج می برد. فقر، جمعیت انبوه، عدم اشتغال، سوء تغذیه و... که اینها خود در ساختار اقتصادی این کشور ریشه دارد.^۶ حدود ۸۰ درصد جمعیت در زیر آستانه فقر زندگی می کنند و اکثر مردم از گرسنگی رنج می برند.^۷ بعلاوه تخمین زده می شود که بیش از ۵۰ درصد جمعیت روستایی در کشوری که عمدتاً به عنوان یک کشور کشاورزی شناخته می شود فاقد زمین هستند. از سوی دیگر امروزه بنگلادش در زمره وابسته ترین کشورهای جهان به کمکهای خارجی است، چرا که حدود ۸۴ درصد برنامه های توسعه این کشور از طریق منابع خارجی تأمین مالی می شود^۸ و اینها همه در حالی است که انتظار می رود در سال ۲۰۰۰ جمعیت این کشور به مرز ۱۵۰ میلیون نفر برسد.

با این واقعیات، سخن گفتن از کیفیت تحقق عدالت اجتماعی بسیار دشوار می نماید. درآمد سرانه مردم در سال



● **ناتوانی دولتهای پس از جنگ در ایجاد حداقل ثبات اقتصادی برای پاسخگویی به انتظارات گسترده ناشی از جنگ، عامل خشونت و ناآرامی سیاسی مداوم در بنگلادش بوده است.**

● **امروزه بنگلادش در زمره وابسته ترین کشورهای جهان به کمکهای خارجی است، چرا که حدود ۸۴ درصد برنامه های توسعه این کشور از طریق منابع خارجی تأمین مالی می شود.**

● **در سالهای اخیر در مناطق روستایی درصد بیسوادان به دو برابر مناطق شهری افزایش یافته است، چرا که اکثر کودکان روستایی به علت نیاز به نیروی کار آنها، قبل از سال سوم دبستان به ترک تحصیل می پردازند.**

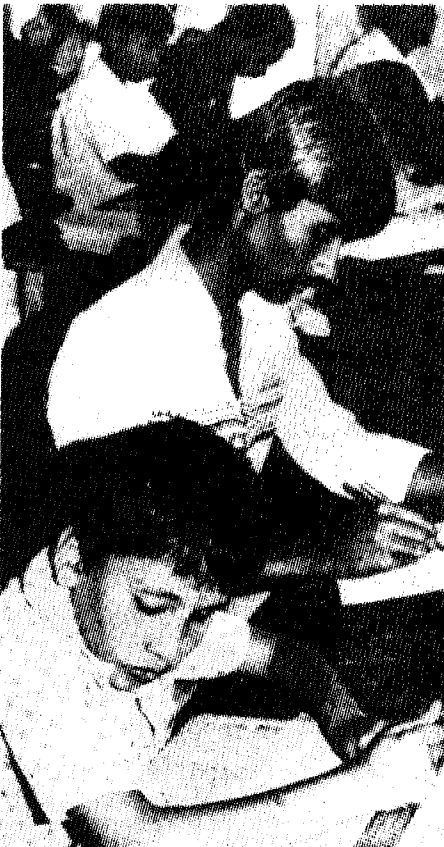
● **ملی کردن صنایع و مؤسسات مالی توسط شیخ مجیب الرحمان، در کنار نخستین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، بیشترین رشد تولید ناخالص داخلی را در ۱۵ سال اخیر به دنبال داشت.**

۱۹۸۶، ۱۳۶ دلار بود. در حال حاضر ۸۷ درصد جمعیت این کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و در عین حال تولید کشاورزی از مدتها پیش، پاسخگوی نیازهای جمعیت نیست. بنابراین به جرأت می‌توان ادعا نمود که در رابطه با عدالت اجتماعی، بنگلادش تنها موفق به ایجاد «تعادل بینایی» و «فقر همگانی» شده است.

آموزش

در بنگلادش تحصیل اجباری نیست، ولی تحصیلات ابتدایی در این کشور رایگان است. دوره متوسطه به دو دوره ۵ ساله و ۲ ساله تقسیم می‌شود. تحصیلات دوره لیسانس ۳ سال، فوق لیسانس ۱ سال، پزشکی ۵ سال و دندانپزشکی ۴ سال است.

نارسیایهای سیستم آموزشی سبب گردیده که کارایی و قابلیت نیروی کار در بنگلادش چندان چشمگیر نباشد. حدود ۷۶ درصد از مردم بنگلادش بیسوادند و فقط ۵ درصد از نیروی کار فعال این کشور دارای تحصیلات در سطح دیپلم و یا بالاتر می‌باشد. نرخ باسوادی بزرگسالان ۲۹ درصد است و به علت نارسیایی برنامه‌ریزی در آموزش بزرگسالان پیشرفتی حاصل نشده است. اخیراً در مناطق روستایی درصد بیسوادان به دو برابر مناطق شهری افزایش یافته است، چرا که اکثر کودکان روستایی به علت نیاز به نیروی کار آنها، قبل از سال سوم دبستان به ترک تحصیل می‌پردازند. در این کشور برای هر ۱۲۱ دانش‌آموز در سن مدرسه ۱ معلم وجود دارد. در سال ۱۹۸۴، حدود ۴۳۵۰۰ دبستان (۹/۱۲ میلیون دانش‌آموز)، ۸۴۷۰ دبیرستان (۲/۶۶ میلیون دانش‌آموز)، ۴ دانشگاه عمومی و دو دانشگاه آموزشی حرفه‌ای و ۸۱ آموزشگاه فنی دولتی (۶۷۰ هزار نفر) در این کشور وجود داشته است.



بهداشت و درمان

در بنگلادش به علت کمبودها و نارسیایهای موجود، سیستم درمانی گسترش چندانی نیافته است. پس از کسب استقلال مهمترین وظیفه سیستم بهداشت و درمان کشور، جلوگیری از بیماریهای مسری و درمان مجروحان جنگی و بهبود وضع نابسامان تغذیه عمومی بود. امروزه بیشتر توجه سیستم بهداشتی بنگلادش به کنترل جمعیت روزافزون معطوف گشته است. بنابراین به علت ضعف

سیستم بهداشتی امراض اسهال، بیماریهای انگلی، کمبود ویتامین و پروتئین، کم‌خونی و آبله عمومیت دارند. ۱۳/۳ درصد کودکان بنگلادش پیش از رسیدن به ۱ سالگی و حدود ۲۵ درصد قبل از رسیدن به سن ۵ سالگی می‌میرند.^{۱۰} امید به زندگی در بنگلادش ۴۸ سال است که نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر قاره آسیا حدود ۴۰ درصد کمتر است. (ژان ۷۷ سال، هنگ کنگ ۷۵ سال، تایوان ۷۳ سال و...).

در بنگلادش بزای هر ۳۸۴۶ نفر یک تخت بیمارستانی و برای هر ۷۱۴۳ نفر یک پزشک وجود دارد که اکثر تسهیلات بهداشتی، در داکا و چند شهر مهم متمرکزند.^{۱۰} تغذیه

پشت‌تر اشاره کردیم که علیرغم اشتغال بخش وسیعی از نیروی کار در فعالیتهای کشاورزی، تولیدات این بخش پاسخگوی نیازها نمی‌باشد. در اینجا باید تصریح کرد که گرسنگی و سوءتغذیه در بنگلادش پدیده‌ای گسترده است. ۸۰ درصد اطفال این کشور از سوءتغذیه رنج می‌برند و ۲۰ درصد مردم کمتر از ۱۶۰۰ کالری در روز مصرف می‌کنند. به تعبیر دیگر مصرف کالری روزانه سرانه ۱۶ درصد پایینتر از حداقلی است که توسط «سازمان خواروبار جهانی» (FAO) تعیین شده است و مردم روزانه تنها ۸۴ درصد حداقل میزان مورد نیاز، کالری دریافت می‌دارند.

اشتغال و مسکن

بنگلادش نیز همچون سایر کشورهای جهان سوم، به نحو فزاینده‌ای با مشکل کمبود و نامناسب بودن مسکن مواجه می‌باشد. ۸۷ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و اینان در اماکنی آنچنان نامناسب بسر می‌نیزند که گاه بر اثر جاری شدن ناگهانی یک سیل، میلیونها نفر آواره و بیخانمان می‌گردند. مسئله عدم اشتغال و بیکاری نیز در این کشور از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است. به دلیل ساخت درهم ریخته و نابسامان اقتصادی، مشکل بیکاری بخش وسیعی از نیروی کار این کشور را در بر گرفته است. در سال ۱۹۷۴، بیکاری در حدود ۴۰ درصد کل نیروی کار ۲۰/۵ میلیون نفری این کشور تخمین زده می‌شد. نیروی کار بنگلادش در سال ۱۹۸۳، ۳۲/۷۵ میلیون نفر بود که ۳۷ درصد آن یعنی ۱۲/۳ میلیون نفر بیکار بودند.^{۱۱}

وضعیت اقتصادی بنگلادش

پیشینه تاریخی

افول بنگال و بویژه بنگلادش فعلی را می‌توان به آغاز حاکمیت بریتانیا در هندوستان نسبت داد. بنگال نخستین ناحیه‌ای بود که تحت سلطه استعماری کمپانی هند شرقی انگلیس که سابقه غارت‌های آن معروف است، قرار گرفت. کنترل شرکت که بعدها با حکومت مستقیم پادشاهی بریتانیا توأم شد، چند تغییر اساسی ایجاد کرد. اولاً، این سلطه به مثابه اعلان افول صنایع مشهور نساجی بنگال و

• یکی از مهمترین تغییرات در بخش صنعت، خصوصی کردن شدید این بخش تحت «سیاست اقتصادی نوین» از سال ۱۹۸۲ به بعد بود. گرچه فرض بر این بود که با این اقدام صنعت از عملکرد بهتری برخوردار خواهد شد، مطالعات اخیر به هیچ وجه شاهدی دال بر این مدعا ارائه نمی‌کند.

• در حال حاضر ۸۰ درصد سرمایه‌گذاریهای عمرانی، می‌بایست از طریق کمکهای خارجی تأمین مالی شود. دومنوع مالی بزرگ که در تأمین نیازهای بنگلادش نقش عمده‌ای دارند، بانک جهانی و آمریکا می‌باشند.

• تجربه بنگلادش و کشورهایی از این دست، نشان می‌دهد که حرکت در بی‌برنامگی و ابهام، اگر «مرگی زودرس» در پی نداشته باشد، «احتضاری مدید و فلاکت‌بار» را به ارمغان خواهد آورد و این سرنوشتی است که امروز بر بسیاری از کشورهای جهان سوم سایه افکنده است.

بویژه چیت داکا که معروفترین محصول تولیدی منطقه محسوب می‌شد، بود. ثانیاً، به آغاز گسترش کشاورزی صادراتی در ابعاد وسیع در زمینه تولید کنف و گیاه نیل **Indigo** منجر شد. و نهایتاً منطقه را تا حد ناحیه حاشیه‌ای نجاری و صنعتی کلکته که در آن زمان پایتخت هند بریتانیا بود تنزل داد. در حالیکه بخش اعظم واحدهای تولیدی در کلکته مستقر بود.^{۱۲}

استقلال پاکستان در ۱۹۴۷، استمرار نوعی رابطه نابرابر و این بار مابین دو بخش پاکستان را به دنبال داشت. کنف کاران پاکستان شرقی فراهم آورنده زمینه مالی توسعه صنعتی پاکستان غربی شده بودند، چرا که کنف مهمترین منبع ایجاد درآمدهای خارجی بود و در توسعه صنعتی پاکستان غربی در خلال ۲۰ سال نخست موجودیت آن، نقشی اساسی ایفا کرد.^{۱۳}

بتدریج نابرابری اقتصادی میان دو بخش پاکستان گسترش یافت. مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در پاکستان غربی بود ولذا حتی اصل مسلم «حفظ منافع شخصی» نیز نتوانست حکام آن را به لزوم توجه بیشتر به بخش شرقی متقاعد سازد. در واقع این مهمترین عاملی بود که نهایتاً به ایجاد کشور بنگلادش، منجر شد.

استقلال: برنامه‌ریزی اقتصادی

پس از استقلال، بنگلادش می‌بایست بر مشکلات عدیده‌ای غلبه کند. ۱۰ میلیون آواره جنگ می‌بایست اسکان داده می‌شدند، ضایعات وارده بر زیر ساخت اقتصادی به بازسازی داشت و ایجاد ثبات در تولید مواد غذایی از اهمیت شایان توجهی برخوردار بود.

یکی از نخستین گامهای رژیم جدید ملی کردن صنایع و مؤسسات مالی توسط شیخ مجیب‌الرحمان بود. این حرکت بیش از آنکه نشانه گرایش سوسیالیستی باشد، بیانگر الزامات عملی در پاسخگویی به مسایل واحدها و مؤسساتی بود که سرمایه‌داران و مالکین بنگالی در پشت سر خود برجای گذارده بودند. معهذاً اقدام فوق در کنار نخستین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی (۱۹۷۷/۸-۱۹۷۲/۳)، بیشترین رشد تولید ناخالص داخلی GDP را در ۱۵ سال اخیر به دنبال داشت. رشد تولید ناخالص داخلی در خلال سالهای ۷۵-۱۹۷۲، ۵ درصد بود، در حالیکه این رقم برای سالهای ۸۰-۱۹۷۵، ۴/۵ درصد و ۸۵-۱۹۸۰، ۳/۵ درصد بوده است. در اینحال باید توجه داشت که مشکلات بنگلادش در سالهای نخست پس از جنگ و استقلال بسیار گسترده‌تر بود.

بهرحال با قتل مجیب‌الرحمان در سال ۱۹۷۵، روند اجتماعی شدن نهادهای جامعه متوقف شد. ژنرال ضیاء بر نقش بیشتر بخش خصوصی تأکید ورزید و سقف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را از ۳۰ میلیون تا حداکثر ۱۰۰ میلیون تاکا بالا برد و نهایتاً هرگونه محدودیتی را از میان برداشت.^{۱۴}

ژنرال ضیاء همچنین بر لزوم دو برابر ساختن تولید غلات تأکید ورزید و دومین برنامه پنجساله گسترش سریع



سیستمهای آبیاری مدرن و بکارگیری نمونه‌ها پر بازده محصول را مورد توجه قرار داد.

در سال ۱۹۸۲ ژنرال ارشاد روی کار آمد. وی سیاستهای ضیاء را ادامه داد. ضمن برداشتن محدودیتهای واردات و سرمایه‌گذاری «سیاست صنعتی نویسی» NIP را در پیش گرفت. در چارچوب این سیاست، برای سرمایه‌گذارهای خصوصی امکانات بیشتری فراهم آمده، بسیاری از بانکها و کارخانه‌های کنف و نساجی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته است.

بهرحال علیرغم این تحولات، در تدوین برنامه‌های عمرانی، بنگلادش ناچار است برخی واقعیات و شرایط جدید و از جمله عدم تمایل کشورهای صنعتی در اعطای کمک چشمگیر به کشورهای توسعه نیافته را در نظر بگیرد. چند سال قبل آقای «مهدی» وزیر دارایی اعلام داشت، هدفهای عمده تغییر نکرده است: جلوگیری از افزایش جمعیت، بهبود تولید کشاورزی و توسعه بخش انرژی (گاز طبیعی).^{۱۵}

توسعه اقتصادی

(عملکرد بخشهای مختلف اقتصاد)

بنگلادش توسعه اقتصادی مبتنی بر گسترش هر چه بیشتر بخش کشاورزی و دستیابی به «خودکفایی غذایی» را به عنوان هدف خود قرار داده است. کشاورزی مهمترین

بخش اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد. بیش از ۳/۴ جمعیت فعال اقتصادی در این بخش بکار مشغولند، در حالیکه در سال ۵-۱۹۸۴ تنها در حدود ۸/۵ درصد تولید ناخالص داخلی مربوط به بخش کشاورزی بود و این وضعیتی است که تقریباً در ۱۵ سال اخیر تغییری نیافته است.^{۱۶}

از سوی دیگر کشاورزی تقریباً تمام تولیدات صادراتی (کنف، چای، پوست و کالاهای چرمی) را به خود اختصاص داده است.

با اینهمه چنانکه قبلاً نیز اشاره کردیم تولید کشاورزی بنگلادش، پاسخگویی نیازهای فزاینده جمعیت کشور نیست. این امر ناشی از چند عامل است: اولاً، برداشت محصول در بنگلادش به تغییرات جوی بستگی دارد و همه ساله بخش زیادی از تولیدات کشور در نتیجه سیل و یا خشکسالی از میان می‌رود. ثانیاً، توزیع نادرست زمین و این واقعیت که بیش از ۵۰ درصد جمعیت روستایی فاقد زمین است و در مقابل ۱۵ درصد جمعیت روستایی ۵۰ درصد زمینهای قابل کشت را در اختیار دارد^{۱۷}، بکارگیری تکنولوژی مدرن و بویژه سیستمهای آبیاری جدید را به خاطر پراکندگی مزارع کوچک دشوار می‌سازد. ثالثاً، کمبود پول و امکانات مالی مانع اجرای طرحهای ساخت سد، سیل بند و... از سوی دولت می‌شود و...

میزان تولید محصولات عمده کشاورزی بنگلادش در سالهای ۸۴-۱۹۸۱ میلیون تن

نوع محصول	۱۹۸۱-۲	۱۹۸۲-۳	۱۹۸۳-۴
برنج (شالی کوب شده)	۱۳/۴۲	۱۳/۹۹	۱۴/۲۸
گندم	۰/۹۵	۱/۰۸	۱/۱۹
چغندر قند	۷/۰۲	۷/۲۴	۷/۰۶
سیب زمینی	۱/۰۷	۱/۱۳	۱/۱۵
سیب زمینی شیرین	۰/۶۸	۰/۷۰	۰/۷۰
بنولات (نخوداویبا)	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۰
دانه‌های روغنی	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۶
کف	۰/۸۳	۰/۸۷	۰/۹۳

درصد تولیدات را تشکیل می‌دهد متمرکز شده است و دیگر فعالیتها شامل صنایع سیگار، آماده‌سازی مواد غذایی، صنایع شیمیایی و فلزات اساسی می‌باشد.^{۲۰} در بنگلادش فعالیتهای صنعتی اصولاً ناچیز و ناامیدکننده می‌باشد که آنهم بوسیله مسایلی از قبیل کمبود انرژی، مشکلات مدیریت، کمبود واردات حیاتی و بی‌نظمی شدید قیمتها محدود می‌شود. به دلایل فوق میزان تولید صنعتی تا ۹-۱۹۷۸ پایبندتر از سطح تولید در سال ۱۹۶۹ (قبل از استقلال) بود.

ساخت صنعت بنگلادش با اتخاذ سیاست جایگزینی واردات و صادرات کالاهای ساخته شده غیر سنتی دستخوش تغییرات مهمی شده است. تلاشهایی در جهت استفاده از گاز داخلی به عنوان جانشین نفت وارداتی و نیز تولید کودهای شیمیایی صورت گرفته است. در مجموع استفاده از گاز داخلی و اتخاذ سیاست جایگزینی واردات سبب شده است که پس انداز ارزی خارجی که برای این کشور بسیار مهم است ممکن گردد. در سالهای اخیر سهم صادرات غیر سنتی از ۱۲/۱ درصد به ۲۲/۶ درصد افزایش یافته است که با توجه به نیاز شدید این کشور به ارز خارجی در جهت تأمین واردات مختلف (و از جمله مواد غذایی) و نیز محدودیتهای تحمیلی از سوی کشورهای توسعه‌یافته، بسیار شایان توجه است.

یکی از مهمترین تغییرات در بخش صنعت، خصوصی کردن شدید این بخش تحت «سیاست اقتصادی نوین» NIP از ۱۹۸۲ به بعد بود. به گونه‌ای که ۴۵ درصد ظرفیت ریسندگی، ۴۷ درصد ظرفیت بافندگی در منسوجات پنبه‌ای و ۳۸ درصد تولیدات کفنی کشور تحت کنترل بخش خصوصی درآمد. گرچه فرض بر این بود که با این اقدام، صنعت از عملکرد بهتری برخوردار خواهد شد، مطالعات اخیر در مورد منسوجات پنبه‌ای و کفنی در هر دو بخش ملی و خصوصی، به هیچ وجه شاهدهی دال بر این مدعا ارائه نمی‌کند.^{۲۱}

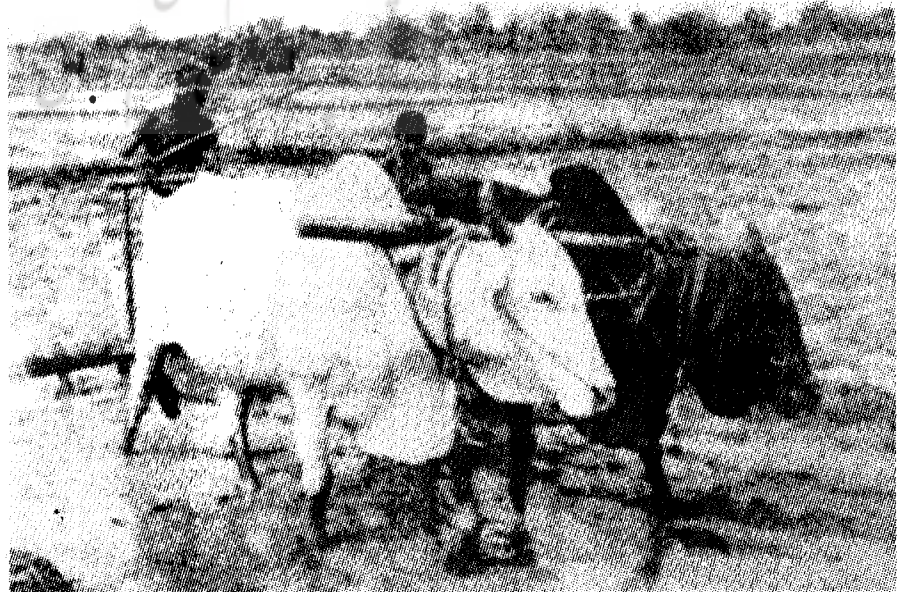
صنایع غذایی ۱۵ درصد کل بازده بخش صنعت را تأمین می‌کنند و بیشتر در خدمت رفع نیازهای بازار داخلی می‌باشند که در این میان فعالیتهای ماهیگیری چشم‌انداز روشتری دارد. فعالیتهای بخش معدن بسیار محدود است و به جز گاز طبیعی و ذخایر نه چندان زیاد زغال سنگ، منابع معدنی قابل برداشت زیادی وجود ندارد. البته در دسامبر ۱۹۸۶، در ناحیه «سیلتهت» Sylhet ذخایر نفت به ظرفیت حدود ۴۰ میلیون بشکه کشف شده است. در میان همه رشته‌ها صنایع کوچک و روستایی مورد غفلت بسیار قرار گرفته‌اند.

سهم بخشهای مختلف در تولید ناخالص ملی در سال ۵-۱۹۸۴ بدینگونه بوده است: کشاورزی ۴۸/۴ درصد، صنعت ۸/۶ درصد، فعالیتهای ساختمانی ۵/۳ درصد، برق، گاز، آب ۰/۶ درصد، حمل و نقل و ارتباطات ۶/۸ درصد، خدمات تجاری ۸/۸ درصد، خدمات مسکن ۶/۹ درصد، اداره عمومی و دفاع ۴/۴ درصد، بانک و بیمه ۱/۵ درصد، خدمات حرفه‌ای و متفرقه ۸/۶ درصد.^{۲۲}

کشاورزی، پیشبرد امر جایگزینی کشاورزی سرمایه‌دارانه به جای شیوه‌های معیشتی سنتی می‌باشد، که تا بحال موفق نبوده است.^{۱۹}

بخش صنعت بنگلادش بسیار کوچک است. این بخش در سال ۵-۱۹۸۴، ۸/۶ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده بود، در حالیکه تنها ۸ درصد نیروی کار در آن به فعالیت مشغول بودند. بخش تولیدی مدرن بزرگ و متوسط ۵۸ درصد ارزش افزوده صنعت را ایجاد می‌کند، در حالیکه تنها ۱۸ درصد نیروی کار ۲/۳ میلیونی این بخش را در اختیار دارد. بخش اعظم نیروی کار (۸۲ درصد) در صنایع کوچک و روستایی انباشته شده است، صناعی که در آنها دستمزدها بسیار پایینتر و تقاضا برای کار، فصلی می‌باشد. فعالیتهای تولیدی عمدتاً در منسوجات کفنی و پنبه‌ای که مجموعاً ۶۲

علیرغم پیشرفتهایی که در زمینه تولید محصولات کشاورزی و بویژه مواد غذایی به عمل آمده است، بنظر می‌رسد خودکفایی غذایی به عنوان هدفی در آینده قابل تصور باشد و این کشور هنوز دچار کمبود است و هر ساله مقادیر زیادی گندم، برنج، روغنهای خوراکی و دانه‌های روغنی وارد می‌کند. بنگلادش در سالهای ۶-۱۹۸۴ به ترتیب ۲/۶، ۱/۲ تن مواد غذایی وارد کرده است. به‌رحال با توجه به مشکلات فعلی و رشد نسبتاً سریع جمعیت، بنگلادش در آینده با دشواریهای بسیاری روبرو خواهد بود. این کشور در ۱۹۹۰، با ۱۱۳ میلیون نفر جمعیت به بیش از ۲۱ میلیون تن مواد غذایی، نیاز خواهد داشت. بنابراین ناچار است بخشی از نیازهای خود را همچنان از خارج وارد کند. به‌رحال، سیاست اساسی در رابطه با بخش





معرفی کشورهای جهان سوم

بقیه از صفحه ۳۷

تجارت خارجی

تراز تجارت و پرداختهای خارجی بنگلادش با کسری زیاد مواجه است. درآمد پولی حاصله از کالاهای صادراتی تنها قادر به رفع ۱/۴ هزینه واردات است. اقتصاد بنگلادش تقریباً به واردات کلیه کالاهای اساسی وابسته است. (در ۱۹۸۳-۴ مواد غذایی ۱۷ درصد کل واردات را تشکیل می‌داد) و این در حالی است که بنیسه صادراتی کشور ضعیف و عمدتاً متکی به کف و تولیدات کفنی است که در سالهای اخیر بین ۵۰ تا ۶۰ درصد درآمد ارزی بنگلادش را تأمین کرده است و البته بهای آن نیز در بازارهای جهانی در نوسان و نزلزل دائمی است.

بلایای طبیعی و بدتر شدن رابطه مبادله همواره درآمدهای صادراتی کشور را تحت تأثیر شدید قرار داده است. از زمان استقلال رابطه مبادله همواره به ضرر بنگلادش بدتر شده است. افزایش بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ سبب شد که ۲۰ درصد سه‌واردات را سوخت تشکیل دهد. در ۱۹۸۳-۴ که قیمت کالاهای صادراتی از ثبات بیشتری برخوردار شد و قیمت‌های جهانی نفت نیز کاهش یافت، بنظر می‌رسید که رابطه مبادله به نفع بنگلادش دستخوش تغییراتی خواهد شد ولی نازل بهای کف و جای در پایان سال ۱۹۸۵ به این امید پایان بخشید.

صادرات عمده بنگلادش را کف خام و کالاهای کفنی و چای تشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۸۳-۴ صادرات این کالاها بیش از ۶۵ درصد کل صادرات، یعنی حدود ۱۳ میلیارد تاکا بود (کل صادرات در سال ۱۹۸۷، ۱/۰۵۳ میلیارد دلار بوده است). واردات اصلی بنگلادش را گندم، برنج، مواد سوختی، ماشین آلات و وسایل حمل و نقل و... تشکیل می‌دهد. کل واردات بنگلادش در سال ۱۹۸۷ حدود ۲/۵۸۵ میلیارد دلار بود که در کل بیش از ۵۰ درصد کسری موازنه مشاهده می‌شود.^{۲۳}

طرفهای تجاری بنگلادش را عمدتاً کشورهای بلوک غرب تشکیل می‌دهد. ۱۹ درصد صادرات بنگلادش روانه آمریکا می‌شود و حدود ۴۰ درصد صادرات آن به چهار کشور آمریکا، ایتالیا، ژاپن و انگلستان صورت می‌گیرد. در مقابل صادرات بنگلادش، به کشورهای بلوک شرق بسیار ناچیز است و مجموع صادرات این کشور به اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین اندکی بیش از ۴ درصد

است. بیش از ۸۵ درصد واردات بنگلادش از کشورهای بلوک غرب می‌باشد که ژاپن، آمریکا، سنگاپور، کره جنوبی و... بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

کمکهای خارجی و بدهیها

بنگلادش برای اجرای برنامه‌های توسعه و عمران خود بشدت به کمکهای خارجی و از جمله کمکهای غذایی وابسته است. طی ده سال گذشته سهم کمکهای خارجی در تولید ناخالص داخلی از ۵ درصد به ۱۳ درصد افزایش یافته است. به علت فقر شدید بنگلادش، پس انداز ملی تنها کمی بیش از ۴ درصد تولید ناخالص ملی را تأمین می‌کند و درآمدهای مالی دولت نیز محدود است. لذا این کشور همچنان نیازمند و وابسته به کمکهای خارجی باقی می‌ماند. در حال حاضر ۸۰ درصد سرمایه‌گذارهای عمرانی می‌بایست از طریق کمکهای خارجی تأمین مالی شود. دو منبع مالی بزرگ که در تأمین نیازهای بنگلادش نقش عمده‌ای دارند بانک جهانی و آمریکا می‌باشند. کمک آمریکا به بنگلادش در سال ۱۹۸۲-۳ برابر ۱۸۸ میلیون دلار بود. بانک جهانی نیز در سال ۱۹۸۳-۴ اعتباری به صورت وام از آژانس بین‌المللی توسعه (IDA) به مبلغ ۳۹۳ میلیون دلار در اختیار این کشور قرار داد. در سال ۱۹۸۵-۶ مبلغ اعتبار دریاقتی بنگلادش از این بانک به ۴۰۰ میلیون دلار بالغ گردید.^{۲۴}

بهرحال، مجموع بدهیهای خارجی بنگلادش در سال ۱۹۸۲ حدود ۴ میلیارد دلار بود که در حال حاضر به بیش از ۶/۴ میلیارد دلار بالغ می‌شود. لذا این کشور ناچار است هر سال ۱۴/۴ درصد درآمد ارزی خود را برای باز پرداخت اصل و بهره وامهای دریافتی بپردازد.^{۲۵}

ارزیابی نهایی

نزدیک به دو دهه پس از استقلال بنگلادش وضعیت این کشور به گونه‌ای است که به نظر برخی چشم‌انداز توسعه آینده این کشور متضمن هیچ امیدی نیست. هر چند که در زمینه کنترل جمعیت، افزایش تولید محصولات غذایی، رشد صادرات صنعتی غیر سنتی و... گامهایی برداشته شده است ولی فقر و سوء تغذیه و بیکاری وسیع ناشی از فرصتهای از دست رفته، و محدودیتهای کلان ناشی از ماهیت روابط جهانی در شرایط کنونی، به صورت بندهایی درآمده‌اند که گسستن آنها به سادگی

ممکن نخواهد بود.

چنانکه دیدیم بنگلادش فعالیتهای کشاورزی در راستای دستیابی به خودکفایی مواد غذایی را اساس کار خود قرار داد ولی اکنون پس از ۲۰ سال این کشور باید هر ساله مقادیر قابل توجهی مواد غذایی وارد کند و این در حالی است که به علت نازل روزافزون بهای صادرات کشتاورزی (کف و تولیدات کفنی و...) موازنه تجاری این کشور سیر نزولی را طی می‌کند و سال به سال بر میزان بدهیهای خارجی آن اضافه می‌شود. بدهی است تداوم این روند بر محدودیتهای بنگلادش خواهد افزود و امکان گریز از این دایره بسته را کمتر خواهد ساخت. در حال حاضر بسیاری از طرحهای عمرانی در این کشور به حال تعطیل درآمده است و با ادامه شرایط فعلی بی شک بر تعداد آنها افزوده خواهد شد. تجربه تانزانیا و بنگلادش نشان می‌دهد که حرکت در بی برنامه‌گی و ابهام اگر «مرگی زودرس» در پی نداشته باشد، «احتضاری مدید و فلاکت‌بار» را به ارمغان خواهد آورد و این سرنوشتی است که امروز بر سر بسیاری از کشورهای جهان سوم سایه افکنده است.

• زیر نویس:

- ۱- بنگلادش؛ «دولت محلی در چهار کشور منتخب از آسیا»؛ (مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری، سازمان امور اداری و استخدامی کشور؛ تهران؛ ۱۳۶۵) ص ۸۳.
- ۲- بنگلادش، «نظری اجمالی به کشورها؛ ش ۸»؛ (مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، وزارت بازرگانی؛ تهران؛ ۱۳۶۶) ص ۴-۲۳.
- ۳ و ۴- همان؛ ص ۹-۲۸ و ۴۱-۳۵ و ۹۵.
- ۵- Bangladesh; "the Far East and Australasia 1988"; (Europe Publication Ltd.; London: 1988) P.217
- ۶- بنگلادش؛ دور ناطل فقر و وابستگی؛ «گریده مریدل اقتصادی - اجتماعی»؛ (مرکز مدارک اقتصادی، وزارت برنامه و بودجه؛ تهران؛ ۱۳۶۳) ش: ۲۶ ص ۱۵.
- ۷- the Far East and Australasia 1988; P.217
- ۸- Bangladesh; "South"; (south; London: september 1985)
- ۹- "Asia 1988 Year book"; (Far eastern Economic Review; Hong Kong: 1988) P.6
- ۱۰- "Asian Economic Hand book"; (Euromonitor publication Ltd.; London: 1987) P. 177, 243
- ۱۱- the Far East and Australasia - ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ 1988; P. 214, 218
- ۱۲- گریده مریدل اقتصادی - اجتماعی؛ ص ۱۸.
- ۱۳- Asian Economic Hand book; P. 202 - 3
- ۱۴- گریده مریدل اقتصادی - اجتماعی؛ ص ۱۵.
- ۱۵- نظری اجمالی به کشورها؛ ش ۸؛ ص ۶۶.
- ۱۶- the Far East and Australasia - ۱۹، ۲۰ و ۲۱ 1988; P.218, 219, 219
- ۱۷- Asian Economic Hand book; P.203
- ۱۸- Asia 1988 Year book; P.8
- ۱۹- نظری اجمالی به کشورها؛ ش ۸؛ ص ۶۲.
- ۲۰- Asia 1988 Year book; p.8